

## Restoring the dignity of objects based on Fotovvatnameha (with reference to Heidegger's opinions)

Naghmeh Hosein qazvini <sup>1</sup> 

1. Corresponding Author, PhD student, Art Research, University Al-Zahra, Tehran, Iran. E-mail: [qnaghmeh@gmail.com](mailto:qnaghmeh@gmail.com)

Article Info	ABSTRACT
<b>Article type:</b> Research Article	Our daily life is always accompanied by many tools and devices; but using objects is mostly unconscious and we even consider ourselves dominant on things. This is the major problem that Heidegger refers to as the problem of worldlessness of today's humanity, and it is a souvenir of western technology.
<b>Article history:</b> Received: 15 May 2022 Received in revised form: 18 June 2022 Accepted: 26 June 2022 Published online: 6 July 2022	In the brief definition of the problem of wordlessness, the meaning of the world as a collection of objects is merely a simple perception of the world, and the concept of the world means that such a collection is present for humans; Heidegger calls this wordlessness. His solution to solve this problem is to pay attention to simple and practical objects, or in other words, to live among objects. But it can be deduced from Heidegger's speech that every nation has its own nature and culture; each one must somehow find his own world.
<b>Keywords:</b> Objects, Fotovvatnameha, Western technology, Wordlessness, Heidegger	In this article, in order to find a solution to the problem of wordlessness, based on its own nature and culture, first the place of the object in Heidegger's views and then how the objects were in Iran before the introduction of western technology were discussed, referring to the Fotovvatnameha. The results of these investigations showed that the Fotovvatname are valuable documents, which tell about the poetic dwelling (living among the objects that are visible in the divine light) of their predecessors among the objects, and they can somehow help us in solving this problem. Also, since there are Fotovvatnameha from other Islamic countries; The results of this research can be generalized to a broader range.
<b>Cite this article:</b> Hosein Qazvini, N. (2022). Restoring the dignity of objects based on Fotovvatnameha (with reference to Heidegger's opinions). <i>Studies in Comparative Religion and Mysticism</i> , 6 (1), 29-53 DOI: 10.22111/jrm.2022.43662.1104	



© The Author(s).

DOI: 10.22111/jrm.2022.43662.1104

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

## بازیابی شأن اشیاء به استناد فتوتنامه‌ها (با استمداد از آراء هایدگر)

نغمه حسین قزوینی<sup>۱</sup>

۱. نویسنده مسغول، دانش آموخته دکتری، پژوهش هنر دانشگاه الزهرا تهران، ایران. رایانامه: [qnaghmeh@gmail.com](mailto:qnaghmeh@gmail.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	زندگی هرروزه ما همواره با ابزار و وسایل فراوانی همراه است؛ به گونه‌ای که زندگی بدون این اشیاء هرگز برای ما قابل تصور نیست. ولی بهره‌گیری از آنها عمدتاً ناآگاهانه بوده و حتی به نوعی خود را مسلط بر اشیاء می‌دانیم. این همان مشکل عمده‌ای است که هایدگر از آن به عنوان مشکل بی‌خانمانی یا بی‌جهانی بشر امروزی یاد می‌کند؛ و سوغات تکنولوژی غربی است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۵	در تعریف مختصر مشکل بی‌جهانی باید گفت، معنی جهان به عنوان مجموعه‌ای از اشیاء صرفاً برداشتی ساده از آن است؛ و مفهوم جهان یا عالم بدین معناست که چنین مجموعه‌ای برای انسان حضور داشته باشد؛ و این فقدان را هایدگر، بی‌جهانی می‌نامد. راهکار وی برای حل این مشکل توجه به اشیاء ساده و کاربردی، یا به عبارتی زندگی در میان اشیاء است. ولی از گفتار هایدگر چنین استنباط می‌شود هر قوم باید با توجه به طبیعت و فرهنگ خویش، جهان خاص خود را بیابند.
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۳/۲۸	در این مقاله برای یافتن راه حل مشکل بی‌جهانی، به مطالعه تطبیقی جایگاه اشیا در منظر هایدگر و فتوتنامه‌ها پرداخته شد. زیرا فتوتنامه‌ها بهترین سند از چگونگی ارتباط پیشینیان خویش با اشیا پیرامونشان، قبل از تسلط تکنولوژی غربی به فرهنگ ما هستند. نتیجه این بررسی‌ها نشان داد فتوتنامه‌ها اسناد ارزشمندی هستند، که خبر از سکنا‌ی شاعرانه پیشینیان خود میان اشیاء (زیستن در میان اشیائی که در نور الهی هویدا هستند) می‌دهد و به نوعی می‌توانند ما را در حل این مشکل یاری دهند. همچنین از آنجا که فتوتنامه‌هایی از سایر ممالک اسلامی موجود است؛ نتایج این پژوهش می‌تواند به محدوده گسترده‌تری تعمیم یابد.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۵	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۴/۱۵	
واژه‌های کلیدی: اشیاء، فتوتنامه‌ها، تکنولوژی غربی، بی‌جهانی، هایدگر	

استناد: حسین قزوینی، نغمه (۱۴۰۱). بازیابی شأن اشیاء به استناد فتوتنامه‌ها (با استمداد از آراء هایدگر). *مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی*، ۶(۱)، ۲۹-۵۳

DOI: 10.22111/jrm.2022.43662.1104



## مقدمه

ابزار و وسایل همواره از ارکان اصلی زندگی ماست، ولی اغلب ناآگاهانه از آنها بهره برده و حتی برخی اوقات خود را به نوعی مسلط بر آنها می دانیم. این همان مشکل عمده‌ای است که هایدگر از آن به عنوان مشکل بی‌خانمانی بشر امروزی یاد می‌کند؛ و راه حل آن را توجه به هستی اشیاء و یا زیستن در میان اشیاء می‌داند.

این در حالیست که با اندکی بازگشت به عقب، یعنی قبل از تسلط تکنولوژی غربی بر فرهنگ ما، می‌توان ملاحظه کرد، نه تنها اشیاء در اعمال و مشغولیت‌ها آشکار بوده‌اند؛ بلکه به استناد فتوتنامه‌ها آنها جایگاهی قدسی در اذهان عامه مردم داشته‌اند. فتوتنامه‌ها متون ارزشمندی هستند که صاحبان حرف و مشاغل بر مبنای اصول عرفان و تصوف دست به تدوین مرامنامه‌هایی برای صنوف خود می‌زدند. پس جوهر تعلیمات آنها در این رساله‌ها، اصولی معنوی است که با پیوند هر شیء و فعل به ظاهر کم‌اهمیت و مادی با عناصر قدسی و الهی ایجاد شده‌اند. به گونه‌ای صاحبان حرف از هر یک از عناصر پیرامون خود به عنوان پلی برای فراتر رفتن از روزمرگی و به عبارتی رسیدن به نور معنوی بهره می‌گرفتند. بنابراین این پژوهش بر آن است، بازبازی شان اشیاء به استناد فتوتنامه‌ها (به استمداد از آراء هایدگر) می‌تواند راهگشای حل بحران بی‌خانمانی ایرانیان (رهاورد تکنولوژی غرب)، باشد.

حال لازم است به بحران بی‌خانمانی بشر امروزی و راه حل آن از منظر هایدگر به گونه‌ای مختصر پرداخته شود. در تعریف مختصر بحران بی‌جهانی بشر امروزی، باید گفت که جهان به معنی مجموعه‌ای از اشیاء صرفاً برداشتی ساده از آن بوده و جهان به معنی واقعی کلمه عبارت است از اینکه چنین مجموعه‌ای برای انسان حضور داشته‌باشد. برای روشنتر شدن مفهوم جهان داشتن انسان، مثالی از هایدگر نقل می‌گردد. وقتی می‌گوییم ما با دیوار تماس داریم منظورمان این است که ما از تماس خود با دیوار آگاه هستیم. اما وقتی می‌گوییم صندلی با دیوار تماس دارد صندلی از این تماس آگاه نیست. تماس ما با دیوار یک ادراک حسی (مورد اول)، ولی مورد تماس صندلی با دیوار (مورد دوم) امری فیزیکی است. از نظر هایدگر علت این امر آن است که در مورد اول انسان از حضور برخوردار است و حال آن که در مورد دوم صندلی فاقد حضور است. به تعبیر دیگر در انسان ایجاب می‌کند که دیواری برای او حاضر باشد ولی در مورد دوم هیچ یک از صندلی و دیوار حضوری برای یکدیگر ندارند؛ از این رو هر دوی آنها (دیوار و صندلی) موجوداتی بدون جهان هستند. به نظر هایدگر

وقتی می توان گفت که یک موجود جهان دارد که سایر موجودات برای او حضور داشته باشند. شرط جهان داشتن عبارت است از حضور به معنی کامل آن، که شامل حضور یک موجود برای خود و حضور سایر موجودات برای او می شود. موجودی که هیچ چیز برای او حضور ندارد صرفاً کنار سایر موجودات درون جهان است و اصلاً جهان ندارد. پس فقدان چنین حضوری مایه محرومیت از داشتن جهان است و فقدان آن را «بی‌جهانی» می‌نامد. (خاتمی، ۱۳۷۸، ص. ۵۸ - ۵۶)

از این رو الگوی دکارت برای انسان جدید که صرفاً یک سوژه مدرک است، منشأ سیطره یافتن تکنولوژی غربی بر سراسر زمین شده است؛ انسانی که خود را در مقابل ابژه قرار می‌دهد و موجودات دیگر را به خود مربوط می‌داند. پس بی‌خانمانی با سوژه شدن انسانی همراه است که می‌کوشد بنیاد خودش را در خودش جستجو کند و به نوعی مترادف با از خود بیگانگی، خودمحوری، جدایی از طبیعت و بیگانگی با محیط است. (خاتمی ۱۳۷۸، ص. ۲۹۵ و خاتمی، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۳) پس به نظر هایدگر ساختار سوژه - ابژه میان انسان و چیزها چنان فاصله‌ای می‌اندازد که گویی انسان بیرون از قلمروی چیزهایی جای می‌گیرد که مورد دستکاری و بهره‌کشی وی قرار می‌گیرند. (یانگ ۱۳۹۴، ص. ۸۴)

حال راهکار عمده هایدگر برای حل مشکل بی‌جهانی، توجه به جهانی است که ما در آن زندگی می‌کنیم. به گونه‌ای که به اعتقاد او «دازاین خود را بر حسب امری که خود او نیست می‌فهمد»؛ چرا که انسان همواره مرتبط با جهان و اشیاء آن بوده و هر قدر خود را از این روابط و نسبت‌ها خالی کند، از امکان انسان بودن خویش می‌کاهد. (کروز، ۱۳۷۹، ص. ۱۰ - ۸) بنابراین برای رفع این بی‌خانمانی باید اندیشید که اشیاء باشند، تا بدین ترتیب آدمی سکنی گزیند. (خاتمی، ۱۳۷۸، ص. ۳۱۱)

البته توجه به عالم و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم را در آثار فلاسفه ایران (در آراء ملاصدرا و سهروردی) نیز می‌توان یافت؛ و می‌شود آن را به گونه‌ای معادل علم حضوری نزد فیلسوفان اسلامی محسوب کرد. در تعریف علم حضوری باید گفت، علم انسان به عالم نزد فیلسوفان اسلامی از جمله ابن‌سینا در دو حالت حاصل می‌گردد، یکی با حصول صورت شی در ذهن و به آن علم حصولی می‌گویند. دیگری با حصول خود شی برای جهان که به آن علم حضوری می‌گویند. از جمله پیروان علم حصولی، مشائیان هستند. آنها تحت تأثیر فیلسوفان یونان، به وسیله تفاوت قائل شدن میان وجود عینی و ذهنی در مسئله شناخت و اصالت دادن به ماهیت آنها، به نوعی اصالت ذهن یا ذهنی‌گرایی را تحمیل می‌کنند؛ طبق این اندیشه، ما به ماهیت اشیاء خارج دسترسی داریم و وجود آنها از

ما غایب و در نتیجه ما در غیاب اشیاء جهان زندگی می‌کنیم. سهروردی دریافت که اگر ادراک یک صورت کلی است، باید لازمه‌اش تصرف یک بدن کلی باشد؛ در حالی که بدن ویژه خودمان را تصرف می‌کنیم، بنابراین ادراک بدن، جزئی و در نتیجه به وسیله علم حضوری است. ملاصدرا در ادامه تفکر سهروردی، با ابداع مساله اصالت وجود و به کار گرفتن تشکیک وجود، توانست به تفسیر دقیق‌تری از مسئله رابطه انسان و جهان نائل گردد؛ او با مبنا قرار دادن حضور، آدمی را از فقدان عالمداری و انفصال از جهان و انحصار در ذهن، رها می‌سازد. اگر چه ملاصدرا در قالب اصطلاحات هایدگر سخن نگفته، ولی دقیقاً به مشکلی توجه نموده که هایدگر آن را مشکل بنیادین در تاریخ فلسفه غرب یافته است. بنابراین هر دو فیلسوف (ملاصدرا و هایدگر) با تحلیل وجود آدمی به عنوان وجود در مکان و زمان خاص، به موجود بودن انسان در میان موجودات، توجه خاص داشته‌اند. مسئله اینجاست که هایدگر مسئله عالمدار بودن انسان و بودن انسان در میان موجودات را به تفصیل بیان کرده ولی ملاصدرا به اجمال و تا حدی مبهم، به این مهم پرداخته‌است. (قوانلو و ناجی اصفهانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۹ و ص. ۱۴۱-۱۴۳) بدین سبب در پژوهش حاضر آراء هایدگر برای حل بحران بی‌جهانی ایرانیان (رهاورد تکنولوژی غربی) انتخاب گردید. برای نیل به این مهم، در قسمت جایگاه اشیا نزد هایدگر و اهل فتوت، ابتدا مفاهیمی همچون شیء، جهان و سکونت شاعرانه در آراء هایدگر تعریف و سپس به چگونگی شان اشیا نزد اهل فتوت پرداخته شد. در دو قسمت بعد نیز شواهدی از جایگاه اشیا و اعمال روزمره در فتوتنامه‌ها نقل و حتی اشیائی با تجلی فتوتنامه‌ها معرفی گردیدند.

### پیشینه پژوهش

در مورد پیشینه بهره‌گیری از فتوتنامه‌ها به عنوان اسناد ارزشمند پیوند هنر و صنعت با عرفان اسلامی باید گفت، یکی از بهترین منابع، مقاله «بازنگری در رابطه میان هنر و عرفان اسلامی بر مبنای شواهد تاریخی»، نوشته مهرداد قیومی بیدهندی است (۱۳۸۹). در این مقاله نگارنده به جای نظریه پردازی صرف در مورد عرفانی بودن هنر اسلامی به ذکر شواهدی تاریخی می‌پردازد که از مهمترین آنها فتوتنامه‌ها هستند. همچنین به نقش فتوتنامه‌ها در اصلاح اخلاق جامعه امروز نیز امیر جوان آراسته در مقاله «فتوت اسلامی و جایگاه اخلاق حرفه‌ورزی» و فرزانه باخدا در مقاله «آیین جوانمردی، به

مثابه الگویی اخلاقی-اجتماعی» پرداخته‌اند (۱۳۹۰) و (۱۳۹۲)؛ ولی لازم به توضیح است که در هیچ یک از منابع مذکور به شان و جایگاه اشیا نزد اهل فتوت پرداخته نشده است.

در مورد پیشینه بهره‌گیری از آراء هایدگر در تحلیل و بررسی آثار دوران اسلامی، باید گفت کمتر از آراء این متفکر بهره گرفته شده؛ از معدود پژوهش‌های انجام گرفته می‌توان به مقاله محمد صادقی پور و همکاران با عنوان «سکنای اصیل: از خوانش هایدگر تا اصفهان صفوی مطالعه‌ای پیرامون باغ-شهر در دوره صفوی» اشاره کرد. (۱۳۹۳) در این مقاله به سکنای شاعرانه شهروندان اصفهانی در عصر صفوی پرداخته شده است؛ سکنایی که از نظر نگارندگان حاصل پیوند خیابان چهارباغ و رودخانه زاینده‌رود به سکنای عمومی در بناهای مذهبی معمارانه مانند مسجد شیخ لطف الله و مسجد شاه به عنوان باغ شهر است؛ خاطره‌ای نوستالژیک که تنها می‌توان آرزوی احیایش را در سر پروراند. فرح رامین در مقاله‌ای با عنوان «هنر تنها راه نجات (نگاهی به فلسفه هنر هایدگر و نسبت آن با اندیشه متفکران مسلمان)»، نیز سعی کرده دریافت اسلامی از حسن و زیبایی را در مباحث وجود و مراتب آن مورد بررسی قرار دهد تا از این رهگذر فلسفه هنر هایدگر را به اندیشه اسلامی نزدیک و مقارن نماید. (۱۳۹۱) ولی در هر دوی مقالاتی که ذکر آنها رفت؛ مسئله شیء موضوع محوری نبوده و شاید بتوان کتاب «هستی و زبان در اندیشه هایدگر» نوشته طالب جابری را از معدود منابعی محسوب کرد که به مسئله شیء در آراء هایدگر پرداخته است؛ به گونه‌ای که وی در پیشگفتار آن، هدف از تالیف کتاب را این مسئله، مطرح می‌کند که هنوز انسان تکنولوژی‌زده و یا به عبارتی بی‌خانمان امروزی می‌تواند از وجود اشیا حیرت کند؛ و توجه به آراء هایدگر را راهکار این مهم قلمداد می‌کند. (۱۳۹۷)

ولی از آنجا که در آراء هایدگر جهان و عالم، صرفاً یک محدوده فیزیکی نیست؛ و هر اقلیم یا زمینی عناصر مقدس متفاوتی را منزل می‌دهند؛ به طوری که مهمترین شرط بودن در خانه این است که یک مکان به عنوان مکانی مقدس و شاعرانه آشکار شود. چنانچه سکنای یونانیان باستان به عنوان سکونتی شاعرانه که در آن اشیا مختلفی نبوده‌اند؛ به عنوان آغازی برای رهایی از بی‌خانمانی بشر غربی، معرفی می‌گردد. از این رو ما نیز باید با توجه به طبیعت و فرهنگ خویش در صدد یافتن آغازی برای رهایی از این معضل جهانی باشیم؛ حال مقاله پیش رو برای یافتن این آغاز، به بازیابی شان اشیا به استناد فتوتنامه‌ها پرداخته؛ چنانچه طریقی باشد برای رهایی از بی‌خانمانی حاصل از تکنولوژی.

### جایگاه اشیا نزد هایدگر و اهل فتوت

همانگونه که ذکر گردید در زندگی روزمره ما بهره‌گیری از ابزار و وسایل عمدتاً مغفولانه است و یا حتی به نوعی ما خود را مسلط بر آنها می‌دانیم. این همان مشکل عمده‌ای است که هایدگر از آن به عنوان مشکل بی‌خانمانی یا بی‌جهانی بشر امروزی یاد می‌کند؛ و راه‌حل آن را توجه به هستی اشیاء و یا زیستن در میان اشیاء می‌داند. از این رو آراء هایدگر علیرغم غربی بودن می‌تواند کمک به سزایی در بازیابی شأن اشیاء روزمره یا به عبارتی حل مشکل بی‌خانمانی ما نماید. زیرا تکنولوژی غربی زمین را فرا گرفته‌است؛ و به نوعی عالم در تمامی فرهنگ‌ها در یک الگوی غربی تجربه می‌شود. (خاتمی، ۱۳۷۸، ص. ۲۹۶) ولی از آنجا که در آراء هایدگر هر اقلیم یا زمینی عناصر مقدس متفاوتی را منزل می‌دهند؛ به طوری که مهمترین عامل داشتن جهان این است که یک مکان به عنوان مکانی مقدس و شاعرانه آشکار شود.

به گونه‌ای که هایدگر سکناى یونانیان باستان به عنوان سکونتی شاعرانه که در آن اشیاء پنهان نبوده‌اند؛ به عنوان آغازی برای رهایی از بی‌خانمانی بشر غربی، معرفی می‌کند. از این رو لازم است هر قومی با توجه به اقلیم (زمین) و آسمان (مقدسات) خویش راه‌حل و یا آغازی برای حل این مشکل بیابد. این در حالیست که این آغاز را در فرهنگ خویش می‌توان در گذشته‌ای نه چندان دور، یعنی قبل از تسلط تکنولوژی غربی، یافت. زمانی که نه تنها اشیاء در اعمال و مشغولیتها آشکار بوده‌اند، بلکه به استناد فتوتنامه‌ها آنها جایگاهی قدسی در اذهان عامه مردم داشته‌اند. البته برای رسیدن به این مهم لازم است آراء هایدگر در باب اشیاء، عالم و زندگی شاعرانه تبیین و سپس با استمداد از آنها به جایگاه اشیاء نزد فتیان (به استناد فتوتنامه‌ها) پرداخته شود.

ابتدا در مورد اهمیت اشیاء از نظر هایدگر باید گفت انسان همواره پیشاپیش در عالم بوده و در آن تنیده است؛ و ما در وضعیتی بیرونی نسبت به عالم قرار نداریم که بتوانیم از آن ساحت، به فهم عالم بپردازیم؛ یا به عبارتی غرق در این عالم هستیم؛ و با اشیاء عالم، ابتدا به مثابه اشیاء دم دستی مواجهه پیدا می‌کنیم. (ن.ک. به جانسون، ۱۳۹۸، ص. ۴۴-۴۰) به گونه‌ای که با فهم همین هستی اشیاء دم دستی، به هستی خود جهان دسترسی پیدا می‌کنیم. البته هستی، بخصوص در ابتدا، نه با ملاحظه یا نگاه کردن ساده، بلکه با عمل کشف می‌شود. چرا که اساس و نحوه هستی ابزار یا به

عبارتی شیء دم دستی همان جنبه عملی آن است. به عنوان مثال چکش فقط وقتی برای من به عنوان چکش شناخته می شود که من آن را برای استفاده در دست می گیرم. (ن.ک به کروز ۱۳۷۹، ص ۴۴-۴۷) مثلاً از چکش برای میخ کوبیدن به دیوار استفاده می کنیم تا قاب عکس را به دیوار بیاویزیم و با تنها نگرستن و خیره شدن با آن سر و کار پیدا نمی کنیم. بلکه چکش را به دست می گیریم و به کار می بریم؛ و در زمینه سودمندانه‌ای که برای ما دارد به آشکارگی می رسد. (جانسون، ۱۳۹۷، ص. ۴۳) از این رو نگرش اصلی انسان نسبت به موجودات غیرانسانی که پیرامون او هستند جنبه عملی آنها (یعنی استعمال و کاربرد آنها) است از این رو، موجودات کاملاً نزدیک به ما، ابزار و اشیاء روزمره می باشند. پس ابزار همانا موجودی است که وجودش برای ماست و به همین دلیل با ما مانوس است. پس پرداختن به ابزار، شیوه‌ای است که انسان، روزمره همواره درگیر آن است. تا جایی که ما به شکلی منحصر به فرد کارگر هستیم؛ کار ویژگی محوری وجود آدمی و تقریباً غیر از زمانی که در خواب به سر می بریم، مشغول انجام کاری هستیم. (هایدگر، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۲، یانگ، ۱۳۹۴، ص. ۸۷)

ولی طریقی که عمدتاً انسان ابزار را به حساب می آورد، طریقی مغفولانه است. به گونه‌ای که وقتی ما از یک ابزار استفاده می کنیم، در حین به کار بردن آن ابزار را فراموش می کنیم؛ بنابراین ابزارهایی که هر روز از آنها استفاده می شود از چشم پوشیده می ماند تا اینکه نقصی ما را متوجه وجود آنها کند. به طور مثال عمدتاً ما متوجه چکش هنگام چکش زدن، یا قلم هنگام نوشتن، دوچرخه هنگام دوچرخه سواری و یا اتومبیل هنگام رانندگی نیستیم؛ تا این که اختلالی مانند از جا در رفتن قسمت فلزی چکش، تمام شدن مرکب، پنچر شدن تایر دوچرخه و خراب شدن اتومبیل هنگام رانندگی، توجه ما را به وجود آنها جلب کند.

البته نه فقط به هنگام استفاده از ابزار، ابزار بودن آنها فراموش می شود بلکه کاربر نیز خودآگاهی ندارد، یعنی توجه ندارد که کاربر شیء است. پس انسان به طریقی ناخودآگاه در روزمرگی خود با اشیاء درگیر می شود و از آنها استفاده می کند. این حالت را هایدگر حزم یا بصیرت می نامد که طریقی ناخودآگاه است و با بینش آگاهانه متفاوت می باشد. (خاتمی، ۱۳۷۸، ص. ۶۵-۶۶) پس انسان، تقریباً همواره کارگر و مقهور زندگی و نحوه حیات جاری است؛ و حتی آن هنگام که در تلاشیم تا در



هرروزگی جذب نشویم، هنوز این هرروزگی برای زندگی ما امری تعیین کننده است. (یانگ، ۱۳۹۴، ص. ۸۷، جانسون، ۱۴۹۸، ص. ۶۴ و یانگ، ۱۳۹۴، ص. ۸۷)

البته این غفلت از امور و اشیاء روزمره در آراء هایدگر به هیچ‌وجه به عنوان امری منفی نگریسته نمی‌شود. چنانچه هایدگر می‌گوید دازاین در روزمرگی هبوط می‌کند؛ اما این هبوط یک امکان مثبت است؛ و وجهی از انشراح و گشودگی نسبت به امور روزمره، چنانچه استعلا یا تعالی از نظر هایدگر پایه اولیه‌اش همین آگاهی به اشیاء و پایه دومش گذر از آنهاست. (خاتمی، ۱۳۷۸، ص. ۱۶۳، کوروز، ۱۳۷۹، ص. ۱۲۶) ولی از دیدگاه هایدگر، عمدتاً جلوه‌های زندگی روزمره به خصوص در جهان غرب به صورت فراموشی هستی، جلوه‌گر می‌شود. به گونه‌ای که مردم اکثراً خود را در زندگی روزمره غرق می‌سازند، تا سوالات بزرگ و مشکل هستی را به فراموشی سپارند؛ و به نوعی درگیر شدن در مشاغل روزمره به افراد این امکان را می‌دهد تا از مواجهه با پرسش‌های سخت درباره حقایق وجود و معانی ضمنی این سوالات اجتناب کنند. (شار، ۱۳۹۴، ص. ۲۹)

حال از آنجا که عملی بودن زندگی، انسان را در تماس با ابزار و لوازم روزمره قرار می‌دهد. (شار، ۱۳۹۴، ص. ۶۸) از نظر هایدگر قدرت نجات دهنده بشر امروزی را باید در همین اشیاء بی‌مقدار پروراند؛ (یانگ، ۱۳۹۴، ص. ۳۰۳) و عمدتاً هایدگر اشیائی را مد نظر قرار می‌دهد که بی‌تکلف و ساده بوده، اما در زندگی روزمره مهم باشند، ابزار و لوازمی که غالباً مردم بدون فکر از آنها استفاده می‌کنند. تا جایی که یکی از مقالات مهم هایدگر به نام شیء به این مهم پرداخته‌است. وی این مقاله را با بررسی فواصل در زندگی مدرن آغاز می‌کند. این تغییر فاصله‌ها را مرتبط با سفر به وسیله هواپیما و رسانه‌هایی همچون رادیو و تلویزیون می‌داند. او این فرضیه را مطرح می‌کند که تغییر درک عمومی نزدیکی و دوری موجب حذف فواصل گردیده است؛ و این حالت را بی‌فاصلگی می‌نامد. حالتی که علی‌رغم در نوردیدن فاصله‌ها، نزدیکی چیزها مغفول می‌ماند؛ و نزدیک به ما همان است که به آن «شیء» می‌گوییم. بنابراین شیء به مثابه آینه‌ای از عالم<sup>۱</sup> به افراد کمک می‌کند تا با جهان خویش

<sup>۱</sup>عالم در مقاله شیء مفهومی پیچیده از چهارگانه آسمان، زمین، فانیان و خدایان یافته‌است؛ و برخی از متفکران سعی در تفسیر آن نموده‌اند. به عنوان مثال ژان ماری ویس، نویسنده کتاب واژه نامه هایدگر، عناصر چهارگانه را در ارتباط با سکنا شاعرانه انسان روی زمین زیر آسمان و قیاس خویش با آسمان، آسمانی که حقیقتاً امر

پیوند نزدیکتری برقرار کنند. (هایدگر، ۱۳۸۱، ص. ۲۸ و ۲۷، شار، ۱۳۹۴، ص. ۶۰ و ص. ۷۶-۷۵) جهانی بسیار نزدیک که به همین دلیل به چشم نمی‌آید. چیزی همواره حاضر که آدمی از طریق آن می‌بیند و از درک گریزان است. (پالمر، ۱۳۸۲، ص. ۱۴۶)

در ادامه باید گفت، اعتقاد هایدگر در مورد خانمان یا جهان داشتن و به نوعی تعلق به یک مکان، تنها قلمرویی از مکان فیزیکی نیست؛ زیرا انسانها با پیوند زدن «روی زمین» و «زیر آسمان» سکنا می‌گزینند و به گونه‌ای این «روی» و «زیر» به یکدیگر متعلقند. پس چنین مکانی عبارت است از مجموعه‌ای به هم پیوسته از ویژگی‌های طبیعی و فرهنگی، که مفهوم مکان را می‌سازند. عمده‌ترین و مهمترین شرایط بودن در خانه برای این است که یک مکان به عنوان مکانی مقدس و شاعرانه آشکار شود. اما مکانهای مقدس عناصر متفاوتی را منزل می‌دهند. (یانگ، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۵-۱۶۶ و هایدگر، ۱۳۸۱، ص. ۶۶-۶۷)

پس از آنجا که انسانها موجوداتی ذاتا تاریخی‌اند و در محیطی زاده می‌شوند که پیشاپیش با لایه‌های متعدد سنت و فرهنگ شکل گرفته‌است، به گونه‌ای که حتی بی‌واسطه‌ترین درک از چیزها برآمده از همین لایه‌های تاویل و سنت است. به تعبیر هایدگر ما بیان‌گر یک ذات انسانی از پیش داده‌شده و بی‌زمان نیستیم؛ و ذاتا شبکه‌ی سنت‌هایی هستیم که به تجربه‌های هرروزه ما شکل می‌دهند. البته لازم به ذکر است، جهانی که ما در آن وجود خود را می‌یابیم، ایستا نیست؛ و نگرشهای بنیادین آن دگرگون می‌شوند. امور تاریخی، در این معنا، آن راه‌های بنیادین اندیشیدن و بودن هستند که انسان غربی از یونان باستان تا امروز در آن اقامت گزیده و فهمی از خود به دست آورده‌است؛ برای هایدگر، یونان باستان و کلاسیک به سادگی در حکم «آغاز» است.

همچنین به اعتقاد هایدگر هر دورانی تحت سلطه‌ی پیش‌فرضهایی بنیادین درباره‌ی اصولی ژرف قرار دارد که عموماً آشکار نیستند، مگر در افق و چشم‌انداز دورانی دیگر. به عنوان مثال یک رودخانه برای

الهیست، معنا می‌کند. بدین ترتیب که میرایان زیر آسمان بر زمین اقامت می‌گزینند؛ و فضای امر مقدس را برای پذیرا شدن امر الهی آماده می‌کنند. یا جولیان یانگ نویسنده کتاب هایدگر و اسپین، معتقد است که زمین و آسمان (طبیعت) و فانیان و خدایان (فرهنگ) را می‌سازند. (ویس، ۱۳۹۶: ۲۰۱، یانگ، ۱۳۹۴: ۱۶۱) حال در این مقاله، برای پرهیز از پیچیدگی‌های تعریف جهان در مقاله شیء، به تعبیر ساده‌تر عالم به مثابه طبیعت (آسمان و زمین) و فرهنگ (فانیان و قدسیان)، ماخوذ از توضیح یانگ بسنده‌شد.

یک شهروند یونان باستان، یک راهب قرون وسطایی و یک غربی مدرن به شیوه‌های متفاوتی وجود دارد. پس، رویدادهای به راستی تعیین‌کننده در تاریخ، جنگ‌ها و ظهور و سقوط پادشاهی‌ها نیستند؛ و هیچ فرد یا جامعه‌ای توانایی هدایت‌شان را ندارد. چنانچه تغییرات ژرف تاریخ از نظر هایدگر به نهیلیسم فراگیر و خلا معنوی غرب مدرن انجامیده است و به اختصار آن را «فراموشی هستی» می‌نامد. (ن.ک به کلارک، ۱۴۰۰، ص. ۵۵-۵۲)

در این حالت اشیاء از دیدگاه عملی نگرسته می‌شوند و در کارآمدی شان ناپدید می‌شوند. اما یونانیان اینگونه به اشیاء و ابزار خود یا به عبارتی به جهان پیرامون خویش نگاه نمی‌کردند و پادزهری داشتند که انسان امروزی غربی این پادزهر را از دست داده‌است؛ پادزهری که این آشنایی مألوف را از بین می‌برد و به سوی امری خارق‌العاده انتقال می‌داد. (یانگ، ۱۳۹۴، ص. ۹۹-۱۰۰) پس تنها راه رهایی از این بحران، بازگشت به عقب، یعنی درست بازگشت به روزگار یونانیان باستان است که می‌تواند انسان غربی را از بند شیوه‌های اندیشیدن و هستن نهیلیستی رها سازد. (کلارک، ۱۴۰۰، ص. ۵۵-۵۴)

به اعتقاد هایدگر یونانیان باستان اقامتی شاعرانه در جهانی لمس شده به وسیله مجاورت آتش آسمان‌ها، داشتند و در میان اشیاء زندگی می‌کردند؛ بنابراین اشیاء و ابزار آنها در اعمال و مشغولیت‌های روزانه مختلفی نبوده بلکه به گونه‌ای در نور الهی هویدا و روشن بوده‌است. (یانگ، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۹) پس اشیاء در اقامتی شاعرانه از بی‌رنگ و روحی روزمرگی خارج، و در عوض، به صورت در-خود-بودنشان آشکار می‌شوند؛ در چنین حالتی، موجودات از تیرگی ملال‌انگیز روزانه به سوی نور و روشنایی خارج می‌شوند. در این حالت خلسه مانند با آگاهی از این شگفتی که جهانی در حال جهان بودگی است، و اینکه به جای هیچ چیز، چیزهایی وجود دارند و ما خود را در میانه‌شان می‌یابیم، گام بر می‌داریم. چنین درکی نسبت به جهان شخصا سبب به وجود آمدن حسی عمیق از شگفتی و سپاسگزاری نسبت به جهانی است که موهبتی از سوی بخشایشگری خارق‌العاده می‌باشد. به گونه‌ای که هستندگان، به عنوان اموری ظاهر می‌شوند که باید مورد احترام و مراقبت قرار گیرند؛ و تنها چنین نور و جذابیتی است که می‌تواند ما را به سوی احترام و مراقبت از چیزها سوق دهد. (یانگ، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۲-۱۰۳) پس چیرگی بر متافیزیک عبارت است از ورود به حالت جشن، حالتی که در آن

جهان به عنوان مکانی مقدس و درخشان، با آشکارگی الوهیتی که به شکلی بیکران خود را می‌پوشاند، آشکار می‌گردد. (یانگ، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۱)

بنابراین، در سکونت شاعرانه انسان پیوسته نگاه به بالا و به سوی آسمان و قدسیان دارد؛ و انسان همواره خویشتن را با چیزهای آسمانی می‌سنجد. این پیمایش و سنجش ما بین زمین و آسمان پیوند برقرار می‌کند و سکونت شاعرانه همین پیمایش و سنجش است. (هایدگر، ۱۳۸۱، ص. ۶۳) به عبارتی سکونت شاعرانه آن چیزی است که انسان را به زمین هدایت و نگاه او را به سوی آسمان معطوف می‌دارد؛ تا میان این دو را که اقامتگاه اختصاصی انسان است، اندازه بگیرد. (ویس، ۱۳۹۷، ص. ۲۰۱)

حال با توجه به مطالب ذکر شده در سطور فوق، ضروری است ما نیز برای بازیابی شان اشیاء و یا به عبارتی حل مشکل بی‌خانمانی خویش به شناخت تاریخ و فرهنگ گذشته خود بپردازیم؛ چرا که بی‌واسطه‌ترین فهممان از چیزها برآمده از طبیعت و فرهنگ خویش می‌باشد؛ درکی که بر اساس ژرف تاریخ خاص خودمان شکل گرفته‌است. پس لازم است برای بازیابی شان اشیاء یا به عبارتی حل مشکل بی‌خانمانی، آغازی که نشان از سکنا بی‌شاعرانه دارد، برای خویش بیابیم.

در بین اسناد باقیمانده، فتوتنامه‌ها می‌توانند به بهترین نحو ما را نسبت به چگونگی سکنا بی‌انسان‌ها و از موضعشان نسبت به زندگی روزمره و ابزار و لوازمشان آگاه نمایند. فتوتنامه‌ها متونی هستند که اصحاب حرف و مشاغل، با توجه به مبانی تصوف برای آموزش مریدان خود در قالب رساله یا کتاب تالیف می‌کردند. البته فتوتنامه‌ها علی‌رغم داشتن روایتهای ساختگی و احادیث جعلی، حتی خرافه‌ها و افسانه‌های دروغین بیشتر از هر منبعی ما را با روش زندگی، آداب و رسوم، طرز تفکر و اندیشه، اخلاق و منش گذشتگانمان، در طی تاریخ، آشنا می‌کند. (سی‌فتوتنامه دیگر، ۱۳۹۱، ص. ۲۰۶)

ابتدا در مورد پیشینه فتوت در ایران باید گفت، پیشینه فتوت را در ایران به آیین زرتشت و حتی به آیین مهر باز می‌گردانند. (معمودی و باخدا، ۱۳۹۰، ص. ۵۵ - ۵۶) ولی شکل نظام‌مند آن به عنوان فرقه‌ای خاص و گرایشی عرفانی از قرن پنجم رواج یافته و حتی به سرزمینهای اسلامی دیگر همچون عراق، ترکیه و مصر نیز نفوذ نموده است. لازم به ذکر است که اهل فتوت در اعصار مختلف اسلامی اصحاب مشاغل، حرفه‌ها و پیشه‌های معمولی در میان مردم بودند. بدین ترتیب هر صنفی تبدیل به حلقه‌ای از اهالی فتوت گردید؛ و رؤس این حلقه‌ها دست به تدوین فتوتنامه‌هایی زدند که اصول و مبانی مشاغل خود را در آن تعیین می‌نمودند. حال از آنجا که بزرگان این حلقه‌ها، همواره

تحت نظر و در ارتباط با شیوخ متصوفه و عرفای بزرگ زمان خود بوده‌اند؛ مبنای تعلیمات این رساله‌ها اصول تصوف (عرفان) و معرفت الهی قرار گرفت. این امر سبب شد که مرز میان تخصص حرفه‌ای و شغلی پیشه‌وران با تجلیات عرفانی آنها که حاصل ریاضت‌ها و احوالات درونیشان بود، جدانشدنی گردد. بنابراین مشاغل و حرفه‌های عادی با پیوند یافتن با اسرار و معارف آسمانی جلوه‌ای دیگر یافتند. از این رو، حلقه‌های فتیان همواره در دستورالعمل‌های خود ذکر و یاد الهی را طی تمامی مراحل کار، همراه داشتند؛ و یا ابزار و لوازم خود را قدسی و آسمانی می‌پنداشتند. (موسوی گیلانی و شکیبادل، ۱۳۹۵، ص ۲۰۰ و ۲۰۵ و چهارده رساله در باب فتوت، ۱۳۸۱، دیباچه).

این امر دقیقاً در تضاد با شیوه نگاه و رفتار ما با ابزار و اشیاء روزمره است؛ زیرا شیوه‌ای که عمدتاً ما اشیاء را به حساب می‌آوریم، مغفولانه است. به گونه‌ای که وقتی ما از یک ابزار استفاده می‌کنیم؛ نه تنها ابزار بودن ابزار فراموش می‌شود بلکه ما نیز ناآگاهانه و ناخودآگاه از وجود آن بهره می‌گیریم. این در حالیست که همسو با نگاه هایدگر که پایه اولیه استعلا یا تعالی را گذر از اشیاء می‌داند؛ صاحبان مشاغل و حرف نیز به استناد فتوتنامه‌ها از هر کار و درگیری با اشیاء که ویژگی محوری وجود آدمی، است؛ به عنوان موهبتی برای گذر یا فراتر رفتن از هیبوط روزمرگی بهره می‌گرفتند. چنانچه فتیان ابزار و اشیاء روزمره، را به عنوان اموری که باید مورد احترام و مراقبت قرار گیرند؛ محسوب می‌کردند. پس به تعبیر هایدگر، می‌توان اهل فتوت را به گونه‌ای، شبانان هستی محسوب نمود. چرا که آنان همواره با حیرتی مداوم از اشیاء محل اقامت خویش مراقبت می‌کردند؛ مراقبت و احترامی که مستلزم حضور عناصر مقدس در آنها بوده‌است. اصلی که موجب می‌گردید عالم‌داری ایشان به شکلی شاعرانه روشن؛ و به عنوان جایگاهی مقدس آشکار گردد. (یانگ، ۱۳۹۴، ص ۱۶۳، ۱۰۳ و شار، ۱۳۹۱، ص ۳۲)

بنابراین فتیان از افعال و اشیا روزمره به عنوان موهبتی برای شاعرانه زیستن، و پیوند اشیاء با عناصر قدسی و آسمانی و زندگی در پرتو نور و روشنایی قدسی بهره می‌گرفتند. پس به عبارتی می‌توان گفت که صاحبان حرف، روزمرگی و یا به عبارتی عناصر زمینی را با عناصر قدسی و آسمانی پیوند می‌زدند؛ و آنها با سکونت شاعرانه به زمین هدایت و نگاهشان را به سوی آسمان معطوف می‌داشتند تا میان این دو را که اقامتگاه اختصاصی انسان است، را با عناصر قدسی و آسمانی اندازه بگیرند؛ و به

همین دلیل حرفه و ابزار و لوازم صاحبان حرف از حال و هوای ملال‌انگیز روزمرگی خارج، و به سوی نور و روشنایی خارج می‌شدند. حال شواهدی از فتوتنامه‌ها در بیان بهتر چگونگی نگرش آنها به اشیاء، کار و فعالیت روزمره، نقل می‌گردد:

### شواهدی از شان اشیاء، کار و فعالیت‌های روزانه در فتوتنامه‌ها

همانطور که در سطور فوق ذکر گردید، اهالی فتوت از هر شی روزمره خود برای گذر از روزمرگی و به عبارتی استعلا و حرکت به سوی نور و روشنایی بهره می‌گرفتند. آنها برای حصول این امر اشیاء روزمره خویش را با عناصر قدسی پیوند می‌زدند. از این رو فتوتنامه‌ها مشحون از شواهدی از پیوند ابزار و لوازم اصحاب حرف با عناصر قدسی است؛ که در اینجا شواهدی از جایگاه اشیاء نزد فتیان نقل می‌گردد:

به عنوان مثال در یکی از فتوتنامه‌های قصابان در شان‌کرد و مصقل چنین آمده است:

در شأن‌کرد و مصقل: بدان که ابتدا‌کرد و مصقل از برق نور محمد است‌کرد مقدم از مصقل است. خطاب‌کرد و مصقل با هم تسبیح می‌گویند به حکم این آیت: *وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ* بیت: اشیاء همه ناطقند و گویا / لیکن به زبان بی‌زبانی (فتوتنامه‌ها و رسائل خاکساریه (سی رساله ، ۱۳۸۲، ص. ۵۱) یا به عنوان نمونه، در یک رساله سلمانی در باب‌شانه چنین آمده است:

اگر پرسند که شانه از کجا پیدا شد. بگوی از ابراهیم \_ علیه السلام- و آن را از بهشت آورده و چوب او از طوبی بود و ملائکه دندان او را ساخته جهت فرق اسمعیل- علیه السلام- در آن روز که سر مبارک او را مادرش شانه کرد [تا] قربان حق شود... (سی فتوتنامه دیگر، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۷)

در فتوتنامه چیت‌سازان نیز، اصل و منشا قالب و روناس این گونه توصیف می‌گردد:

اگر پرسند که قالب از کجا آمده؟ بگو از بهشت آمده است و چوب شمشاد است. (رسائل جوانمردان، ۱۳۵۲، ص. ۲۲۸)

<sup>۱</sup> قسمتی از آیه ۴۴ سوره اسراء (موجودی نیست در عالم جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست)، مضمون این آیه به این اشارت دارد که کل کائنات از جمله اشیاء مشغول تسبیح گفتن باری تعالی هستند؛ به نظر میرسد این آیه از آیات کلیدی در تقدس بخشی اهل فتوت به اشیاء دارد. چنانچه در کتیبه لوح معماری نیز این آیه نگاشته شده است.

سوال اگر پرسند که: روناس از کجا حاصل شده است؟ بگو که از زمین مکه. (رسائل جوانمردان، ۱۳۵۲، ص. ۲۳)

چنانچه در سطور فوق ذکر گردید کار، ویژگی محوری وجود آدمی است و خود می‌تواند سبب استعلا و گذر از این مرحله شود. ولی این روزمرگی برای بشر امروزی تبدیل به مفری شده برای رهایی از سوالات بزرگی که ذهن او را درگیر می‌کنند. این در حالیست که گذشتگان ما، با پیوند مشاغل خود با عناصر قدسی و آسمانی، همچون نسبت دادن حرف به بزرگان دین و یا ذکر آیات و ادعیه در هنگام فعالیت، از اعمال و افعال معمولی خود به عنوان وسیله‌ای برای رهایی از هبوط روزمرگی و حتی استعلا بهره می‌گرفتند. حال شواهدی از فتوتنامه‌ها مبنی بر پیوند کار و فعالیت روزمره با عناصر قدسی و آسمانی، نقل می‌گردد:

به عنوان مثال پیشه سقایی در فتوتنامه سلطانی چنین وصف شده‌است:

بدان که سقایان هم مداحان اند و هم سقایان و ایشان جماعتی محترم‌اند و سند ایشان (بس) بزرگ است: قال الله تبارک و تعالی و سقیهم و ربهم شرابا طهورا<sup>۲</sup>؛ و اگرچه (اطلاق) اسم سقا و سقایی بر حق تعالی لایق نیست اما این فعل که آب دادن است به وی اسناد یافته، چنانچه در آیت گذشت و در این معنی پیر رومی می‌فرماید:

از سقاهم ربهم بین جمله ابرار مست      وز شراب لایزالی هفت و پنج و چار مست

و جای دیگر می‌فرماید:

خوشا آن زمانی که هر ذره از ما      به رقص اندر آید که ربی سقانی

اگر پرسند که سقایی را از کجا گرفته اند؟ بگوی از چهار پیغمبر و دو ولی (واعظ کاشف سبزواری، ۱۳۵۰، ص. ۲۹۳-۲۹۲)

و یا به عنوان نمونه قسمتی از فتوتنامه چیت‌سازان نقل می‌گردد که مراحل مختلف تهیه پارچه با ذکر آیات و اذکاری همراه است، اینجا پاره‌ای از این مراحل همچون از قدم به کارخانه گذاشتن، جوشانیدن کرباس، چیت به دیگ انداختن، چاپ کردن یا باسمه کردن نقل می‌گردد:

<sup>۲</sup> قسمتی از آیه ۲۱ سوره انسان (و پروردگارشان باده طهور به آنان می‌نوشاند)

سوال: اگر پرسند که قدم که به کارخانه می‌گذاری کدام آیه می‌خوانی؟ بگو قوله تعالی: « لا یصلاها إِلَّا الْأَشْقَى، الَّذِیْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّى، أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى »<sup>۳</sup>

سوال: اگر پرسند که در وقت جوشانیدن کرباس کدام آیه می‌خوانی؟ جواب بگو که: «فاما من ثقلت موازینہ، فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ»<sup>۴</sup>

سوال: اگر پرسند که در چیت به دیگ انداختن کدام آیه می‌خوانی؟ جواب بگو که: «أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ، وَ حُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ»<sup>۵</sup>

سوال: اگر پرسند که در وقت باسمه کردن<sup>۶</sup> کدام آیه می‌خوانی؟ جواب بگو که: «یوم یفر المرء من اخیه، وَ أُمِّهِ وَ أَبِیهِ، وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ»<sup>۷</sup>

#### معرفی برخی اشیاء با تجلی فتوتنامه‌ها

جالب است پیوند اشیاء و افعال روزمره با عناصر قدسی و آسمانی (پیرو موارد مذکور) بر بسیاری از اشیاء روزمره و کاربردی به صورت ادعیه، اشعار و حتی نقش، جلوه یافته است؛ در اینجا به عنوان نمونه، سه شیء که بهتر می‌توانستند نمایانگر ارتباط تعالیم اهل فتوت مبنی بر پیوند شیء و فعل روزمره با عناصر قدسی باشند، انتخاب گردید.

یکی از این نمونه‌ها ساطوری است متعلق به اواخر دوره قاجاریه؛ با نقوشی بر دو طرف آن، که به خوبی تجلیات مرامنامه‌های فتیان را می‌توان بر آن ملاحظه نمود. در یک طرف این ساطور نقش دو فرد در حال ورزش زورخانه‌ای (ورزش اهل فتوت)، داخل یک قاب محرابی شکل دیده می‌شود. در طرف دیگر این ساطور در قابی محرابی، نقش قصابی در حال قصابی با ساطوری در دست دیده

<sup>۳</sup> سوره لیل آیات ۱۵ و ۱۶ (جز بدبخت ترین مردم در آن در نیابند ۱۵ همان که (دین را) تکذیب کرد و از آن روی گردانید. (۱۶۰) آیه دو سوره عبس (از اینکه آن مرد نابینا نزد او آمد (۲)

<sup>۴</sup> آیات ۶ و ۷ سوره قارعه (اما هرکس اعمال وزن شده اش سنگین و باارزش است (۶)؛ پس او در یک زندگی خوش و پسندیده ای است. (۷)

<sup>۵</sup> آیات ۹ و ۱۰ سوره عادیات (آیا نمی‌داند هنگامی که آنچه در گورهاست برانگیخته شود (۹) و آنچه در سینه هاست پدیدار گردد (۱۰)

<sup>۶</sup> چاپ پارچه با قالبهای چوبی

<sup>۷</sup> آیات ۳۴، ۳۵ و ۳۶ سوره عبس (روزی که آدمی فرار می‌کند، از برادرش، و از مادر و پدرش، و از همسر و فرزندانش)



می‌شود. بالای سر وی نقوشی نمادین از ترازو، قناره و سنگ ترازویی بسیار بزرگ، از لوازم و ابزار قصابان دیده می‌شود؛ لازم به ذکر است، به صورت نمادین نقش یک قفس در بالاترین قسمت تصویر و چهار پرنده در دو طرف ترازو دیده می‌شود. چنانچه گویی عمل کردن درست و تمام، به اصول فتوت موجب شده (به صورت نمادین) اشیاء و ابزار حرفه‌اش، بالای سر وی بدین ترتیب قرار گیرند. همچنین بر روی این ساطور بی‌تی نگاشته شده که متن آن چنین است:

ز هوش فلاطون دمش تیزتر      ز ابروی دلدار خونریزتر



تصویر شماره ۱ (ب) قسمت پشت ساطور قصابی، از جنس فولاد، متعلق به اواخر عصر قاجاریه، با نقش قصاب اهل فتوت در حال قصابی، با اشیائی همچون سنگ وزنه و ترازو بالای سر وی (به صورت نمادین)، در یک طرح محرابی شکل.

تصویر شماره ۱ (الف) قسمت روی ساطور قصابی، از جنس فولاد، متعلق به اواخر عصر قاجاریه، با نقش جوانمردان در حال انجام ورزش زورخانه‌ای داخل قابی محرابی‌شکل، محل نگهداری: مجموعه خصوصی

تناولی. ماخذ تصویر: آلن، ۱۳۸۱: ۵۱

از دیگر اشیائی که انتخاب شده، یک قیچی است که بر روی آن عبارت قرآنی «افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد»<sup>۸</sup> دیده می شود. درج این عبارت قرآنی با توجه به معنی آن (کارم را به خدا می سپارم خداست که به [حال] بندگان [خود] بیناست) می تواند در ارتباط با معنی قیچی در فتوتنامه دوزندگان، یعنی توکل بر خدا، قرار گیرد:

«اگر پرسند که [معنی] مقراض چیست. گویم که امانت کردن و از خیانت [دوری جستن] و سر رضا در پای قضا نهادن و بغض و حسد و عداوت از دل به در کردن».

همچنین در قسمتی دیگر از فتوتنامه دوزندگان می بینیم که حتی دو حلقه قیچی را به صورت چشمی می دیدند همچون چشم طمع آدمی که باید کور گردد؛ که باز هم این مضمون با مفهوم آیه فوق یعنی سپردن کار خود به خداوند بینا تناسب دارد:

«اگر گویند چشم مقراض چیست گویم به هر دو چشم کور بودن و انگشت در چشم خود فرو کردن و دیده نادیده کردن.» (سی فتوتنامه دیگر، ۱۳۹۱، ص ۹۳ - ۹۲)



<sup>۸</sup> قسمتی از آیه ۴۴ سوره غافر

جزئیات تصویر شماره ۲) کتیبه روی قیچی	تصویر شماره ۲) قیچی فولادی، دارای کتیبه‌ای با متن دعای «افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد» ساخته شده در تاریخ ۱۲۱۱ هـ.ق. محل نگهداری: موزه ملی ملک. (ماخذ تصویر <a href="http://malekmuseum.org/artifact/1393.07.00053/%D8%A7%D8%A8%D8%B2%D8%A7%D8%B1+%D8%A8%D8%B1%D8%B4-D9%82%DB%8C%DA%86%DB%8C">http://malekmuseum.org/artifact/1393.07.00053/%D8%A7%D8%A8%D8%B2%D8%A7%D8%B1+%D8%A8%D8%B1%D8%B4-D9%82%DB%8C%DA%86%DB%8C</a> )
--------------------------------------	---

شیء دیگر لوح رسم معماری<sup>۱</sup> از دوره قاجاریه است؛ این لوح دارای شبکه‌بندی‌های منظم شطرنجی است و با روغن کمان (لاک)<sup>۲</sup> اندود شده‌است. در دو روی لوح کتیبه‌هایی به خط شکسته‌نستعلیق دارد؛ که به نظر می‌رسد بخشی از یک فتوتنامه معماری باشد؛ و مضمون آن ذکرها و خطبه‌هایی است که معمار در هنگام ترسیم نقشه و استفاده از ابزارهای مختلفی نظیر گونیا، شاقول<sup>۳</sup>، شمشه<sup>۴</sup> و ریسمان<sup>۵</sup> باید ذکر می‌کرده‌است. (رکنی، ۱۳۹۳، ص ۵۱) پس در این اثر منحصر به فرد نیز به خوبی خوبی پیوند اشیاء و افعال روزمره با عناصر قدسی دیده می‌شود؛ گویی از هر یک افعال و اشیاء این

<sup>۱</sup> در توضیح لوح معماری باید گفت شواهد فراوانی وجود دارد که مهندسان، نقشه‌عمارته‌ها را پیش از انتقال به خاک، بر صفحه یا صفحاتی رسم می‌کردند و به بنایان می‌سپردند؛ که در اینجا شواهدی از مولانا نقل می‌گردد (رکنی، ۱۳۹۳، ص. ۵۳)

دل است تخته پر خاک، و او مهندس دل / زهی رسوم و رقوم و حقایق و اسماء (مولانا، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۹)

ای مهندس که تو را لوحم و خاک / چون رقم محو تو و اثبات توام (مولانا، ۱۳۷۶، ص. ۶۳۶)

<sup>۲</sup> روغنی از ترکیب روغن بزرک و سندروس (صمغ درختی با همین نام) که برای محافظت از سطوح چوبی و مقوایی کاربرد داشته‌است. (جوکار و غفار پوری، ۱۳۹۶، ص. ۱۸۱)

<sup>۳</sup> قطعه فلزی که به رشته‌ای آویزند و برای قائم بالا بردن دیوار در بنایی بکاربرند. (لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۲: مدخل شاقول)

<sup>۴</sup> ابزاری چوبین مانند خطکش به درازی یک یا دو متر که برای تراز کردن آجرها بکار رود. (لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۲: مدخل شمشه)

<sup>۵</sup> ریسمان بنایان و درودگران و گلکاران برای راست کردن کار. (لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۲: مدخل ریسمان کار)

حرفه همچون غنیمتی برای عبور از روزمرگی و رسیدن به استعلا، بهره گرفته شده است. حال متن فتوتنامه درج شده بر دو روی لوح نقل می گردد:

بسم الله الرحمن الرحيم العلم عندالله/لا يعلم الغیب الا الله<sup>۱</sup> سوال/ اگر پرسند که گونیا چیست و چند سر دارد/ جواب بگو که حضرت جبرئیل(ع)/بامر رب جلیل گونیا را از پروردگار/برداشت و به آدم سپرد/ و سه سر دارد بمعنی الله محمد و علی/ و ذکر او یا حی و یا قیوم<sup>۲</sup> است و گونیا راهنماست/و ریسمان راهوراست سوال/اگر پرسند شمشه چیست و خطبه/ شمشه چیست و کار گذاشتن شمشه/ و ذکر شمشه چیست بگو جواب/ بگو شمشه دستور پیر است و سر شمشه/ تعلیم استاد است و پای شمشه/ راهنماست و چون شمشه را/ بکار گذاری یا موجود یا معبود<sup>۳</sup> و ذکر شمشه یا حکم/ یا عدل<sup>۴</sup> است سوال اگر پرسند/ شاول<sup>۵</sup> چیست و ذکر شاول جواب/ بگو شاول میزان پیر است و ذکر او یا مبدء [مبدی] یا معید است/ در سوالات اگر پرسند ریسمان چیست / و راهنمای او کیست و واجب ریسمان/ چیست و خطبه ریسمان و کار گذاشتن/ و ذکر ریسمان چیست/ جواب بگو ریسمان توجه است/ و پای ریسمان توکل است/ و واجب ریسمان سوزن است/ و راهنمای ریسمان گونیاست/ و خطبه و کار

<sup>۱</sup> قسمتی از آیه ۲۶ سوره ملک و آیه ۲۳ سوره احقاف (علم نزد خداست) و ۶۵ سوره نمل *لَا يَعْلَمُ مَنْ (فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ* (جز خدا کسی از علم غیب آگاه نیست) شروع فتوتنامه با این آیه قرآنی نشانگر این امر میتواند باشد، که علم معماری همچون سایر علوم نزد خداست و تنها خدا از اسرار واقعی آن آگاهی دارد

<sup>۲</sup> از آنجا که آغاز کار معماری با گونیا و ایجاد بنایی راست گوشه است؛ از ذکر یا حی و یا قیوم (ای کسی که زندگی و پایداری و جود پدیده ها در پرتو ذات توست) که مفهوم بقا و پایداری را می رساند، استفاده شده است.

<sup>۳</sup> از آنجا که شمشه برای آجرچینی در بنا از ابتدای امر (برای راست چیدن بنا شدن دیوارها) استفاده می شود؛ از ذکر یا موجود یا معبود، به نظر می رسد برای به وجود آوردن دیوارهایی صاف که از ارکان اصلی یک بنا است استفاده می کردند.

<sup>۴</sup> همچنین شمشه وسیله ای برای میزان و تراز کردن دیوار به کار می رود، ذکر یا حکم و یا عدم هم برای این وسیله بنایی کاربرد داشته است.

<sup>۵</sup> شاقول در این رساله شاول نوشته شده است. لازم به ذکر است از آنجا که نگارنده فتوتنامه ها برخی اوقات افراد عامی بوده اند؛ در بسیاری از آنها غلطهای املائی وجود دارد.

گذاشتن آنکه در آنوقت / بگوید نصر من الله و فتح قریب<sup>۱</sup> و ذکر ریسمان / یا قاضی الحاجات / یا کافی المهمات<sup>۲</sup> / سوال اگر پرسند / ذرع<sup>۳</sup> چیست و سر او پای و ذکر او / چیست جواب بگو ذرع معلم پیر است / در تسبیح حضرت معبود / چنانکه در کلام مجید می‌فرماید / هو الله تعالی / قوله تعالی حق شی الا یسبح بحمده / و لکن [لا] یفقهون تسبیحهم<sup>۴</sup> / و سر گز<sup>۵</sup> راستی است و پای گز کار است / و ذکر گز حق<sup>۶</sup>. بتاریخ شهر صفر المصفر [مظفر؟] ۱۳۰۹ / شعر / رقم زد خامه فکر حبیب از بهر تاریخش / نقاش ازین لوح آمده بهر معماری

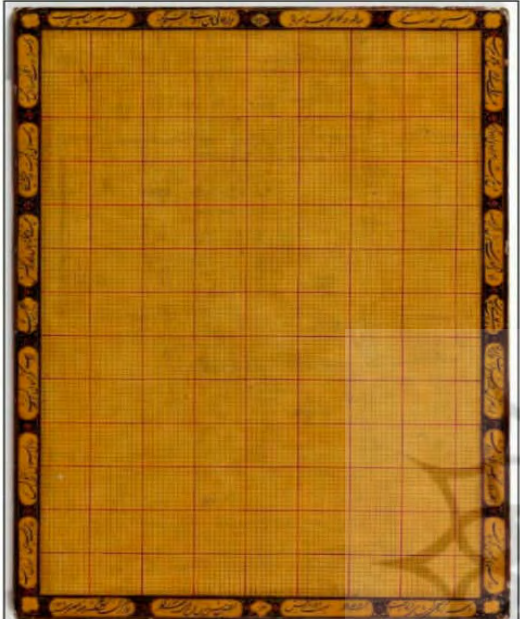
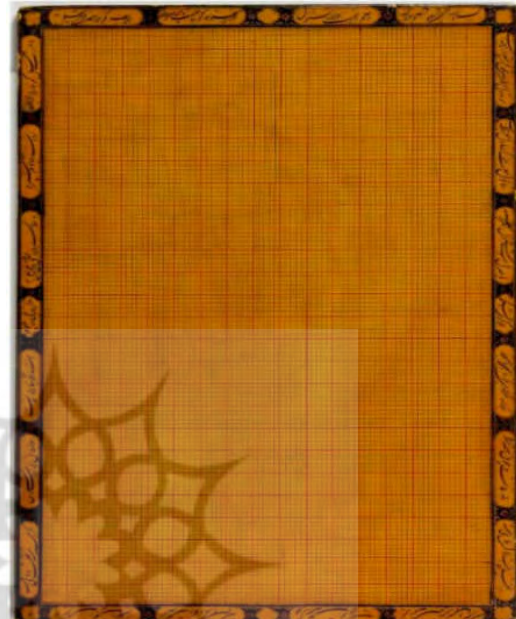
<sup>۱</sup> بخشی از آیه ۱۳ سوره صف (آن یاری خداوند و پیروزی نزدیک است) خطبه ای است که هنگام کار گذاشتن ریسمان بنایی استفاده می‌کردند و به نظر می‌رسد، این آیه به نوعی بشارت برای خوب پیش رفتن کار به لطف الهی بوده است.

<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد از آنجا که کار با ریسمان به اندکی دقت و توجهی بیشتر احتیاج داشته، ذکر ریسمان یا قاضی الحاجات (ای برآورنده حاجت‌ها) و یا کافی المهمات (ای کسی که کارهای مهمی که فکر انسان را به خود مشغول می‌دارد کفایت می‌کند) بوده است.

<sup>۳</sup> وسیله‌ای برای اندازه‌گیری احتمالاً برابر با ۱/۰۴ متر، بوده است. (فرهنگ معین، ۱۳۸۶: مدخل ذرع)  
<sup>۴</sup> قسمی از آیه ۴۴ سوره اسراء (موجودی نیست در عالم جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست)، این قسمت از آیه در ذکر شان‌کارد و مصقل (رجوع شود به سطور آغازین این قسمت) نیز نقل شده است. گویا مفهوم این آیه که مبنی بر ستایش و حمد پیوسته کل کائنات از جمله اشیاء از حضرت حق می‌باشد؛ نقشی کلیدی در مقدس پنداشتن اشیا نزد فقیهان داشته است.

<sup>۵</sup> در این متن ذرع و گز به یک معنا به کار برده شده‌اند.

<sup>۶</sup> از آنجا که گز وسیله اندازه‌گیری است، ذکر گز یا ذرع، واژه حق می‌باشد که در اینجا با صفت عادل بودن خداوند ارتباط می‌یابد.

	
<p>روی دوم لوح معماری لاکه (ماخذ تصویر: رکنی، ۱۳۹۳، ص. ۵۳)</p>	<p>تصویر ۳) روی اول لوح معماری لاکه، محل نگهداری: موزه ملی ملک (ماخذ تصویر: رکنی، ۱۳۹۳، ص. ۵۲)</p>

### نتیجه:

در این پژوهش به بازیابی شأن اشیا روزمره یا به عبارتی راه حلی که توسط بزرگترین فیلسوف قرن بیستم یعنی هایدگر، برای حل مشکل بی‌جهانی بشر امروزی مطرح شده است، پرداخته شد؛ چرا که تکنولوژی غربی زمین را فرا گرفته است؛ و به نوعی عالم در تمامی فرهنگ‌ها در یک الگوی غربی تجربه می‌شود. (ولی از آنجا که عالم یا جهان مجموعه‌ای است از مقدسات و رسوم و سنت‌های انسانهای فانی که در یک اقلیم خاص زندگی می‌کنند. لازم دانسته شد که ما با توجه به عالم خویش برای بازیابی شأن اشیا یا مشکل بی‌خانمانی خود راه حلی بیابیم. برای نیل بدین هدف در این مقاله، ابتدا در قسمت جایگاه اشیا نزد هایدگر و اهل فتوت، مفاهیم اساسی در آراء هایدگر همچون شیء، عالم و مفهوم بی‌جهانی و راهکار وی برای حل این بحران یعنی توجه به هستی اشیا روزمره و

کاربردی، به عبارتی زیستن در میان اشیاء و سکونت شاعرانه پرداخته‌شد؛ و سپس با مطرح کردن این نکته که عالم هر قوم بر مبنای طبیعت و فرهنگ خویش است؛ و توصیه هایدگر در توجه به یونان باستان به عنوان آغازی برای حل مشکل بی‌خانمانی بشر غربی؛ یعنی زمانی که انسانها (ی غربی) سکونتی شاعرانه داشته و با پیوند زمین با آسمان در بین اشیاء می‌زیستند. برای یافتن نشانی از سکونت شاعرانه در میان اشیاء، از فتوتنامه‌ها به عنوان اسنادی ارزشمند، که حاوی چگونگی سکنا پیشینیانمان است، بهره گرفته؛ و در قسمت پایانی این پژوهش، شواهدی از فتوتنامه‌ها و حتی سه نمونه شیء با تجلیاتی از آنها (فتوتنامه‌ها)، آورده‌شد. نتیجه این بررسی‌ها نشان داد که اهالی فتوت که عمده پیشه‌وران و اهل حرف را در بر می‌گرفتند؛ از هر شی و فعل روزمره و معمولی، وسیله‌ای برای استعلا و فراتر رفتن از از هیوط روزمرگی بهره می‌گرفتند (دقیقا بر خلاف موضع بشر امروزی نسبت به روزمرگی که برای فرار از سوالات دشوار درباره حقایق وجود، بدان پناه می‌برد)؛ بنابراین بازیابی شان اشیاء به استناد فتوتنامه‌ها می‌تواند ما را در حل مشکل بی‌خانمانی رهاورد تکنولوژی غرب، با توجه به طبیعت و فرهنگ خویش یاری رساند. البته از آنجا که آیین فتوت منحصر به ایران نیست و تقریبا در بسیاری از بلاد اسلامی همچون در آسیای صغیر، سوریه، عراق و حتی مصر طرفدارانی بسیار داشته، این راهکار می‌تواند برای سایر ممالک اسلامی نیز کاربردی شود.

### منابع

- آلن، جیمز ( ۱۳۸۱). هنر فولادسازی در ایران. ترجمه پرویز تناولی. تهران: یساولی
- افشاری، مهرا (۱۳۹۹). سی فتوتنامه دیگر، تهران: چشمه
- افشاری، مهرا (۱۳۸۲). فتوتنامه‌ها و رسائل خاکساریه (سی رساله). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باخدا فرزانه. (۱۳۹۲). آیین جوانمردی به مثابه الگویی اخلاقی - اجتماعی. فصلنامه تخصصی اخلاق و حیانی. سال اول. شماره سوم.
- پالمر. ریچارد ا. (۱۳۸۲). علم هرمنوتیک. ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی. تهران: هرمس.
- جابری، طالب. (۱۳۹۷). هستی و زبان در اندیشه هایدگر. تهران: ققنوس

جوکار، جلیل و غفار پوری، ثریا (۱۳۹۶). طلا در کتاب‌رایی ایرانی. تهران: انتشارات میراث فرهنگی و گردشگری

جانسون، آ پاتریشیا. (۱۳۹۸). راه مارتین هایدگر. ترجمه سید مجید کمالی. تهران: مهر نیوشا  
جوان آراسته، امیر. (۱۳۹۰). فتوت اسلامی و جایگاه اخلاق در حرفه‌ورزی. پژوهشنامه اخلاق. سال  
چهارم شماره ۱۴.

چهارده رساله در باب فتوت. (۱۳۸۸). مقدمه تصحیح و توضیح مهراں افشاری. تهران: چشمه  
خاتمی، محمود. (۱۳۷۸). جهان در اندیشه هایدگر. تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.  
خاتمی، محمود. (۱۳۹۴). فلسفه غربی معاصر. تهران: علم.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). لغتنامه دهخدا، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران  
رامین، فرح. (۱۳۹۱). هنر تنها راه نجات (نگاهی به فلسفه هنر هایدگر و نسبت آن با اندیشه متفکران  
مسلمان). مشرق موعود. سال ششم. شماره ۲۱

رسائل جوانمردان. (۱۳۵۲). با تصحیح و مقدمه مرتضی صراف. با مقدمه و خلاصه فرانسوی هانری  
کربن. تهران: قسمت ایرانشناسی انستیتوی فرانسوی پژوهش‌های علمی در ایران.  
رکنی، نوشاد. (۱۳۹۳). فتوت‌نامه و لوح معماری (زیچ) از دوره قاجار در کتابخانه و موزه ملی ملک.  
اثر. شماره ۶۵

شار، آدام. (۱۳۹۴). هایدگر برای معماران: تأملی بر سنت معماری مدرن. مترجم روزبه احمدی نژاد.  
تهران: هله، طحان

صادقی پور، محمدصادق، اصغر فهیمی فر و زینب بیات. (۱۳۹۳). مسکنای اصیل: از خوانش هایدگر  
تا اصفهان صفوی مطالعه‌ای پیرامون باغ-شهر در دوره صفوی. نقش جهان. شماره ۳  
فرهنگ معین (۱۳۸۶). محمد معین، تهران: زرین

قوانلو، فاطمه و ناجی اصفهانی، حامد. (۱۳۹۶). حضور و عالم‌داری در ملاصدرا و هایدگر. پژوهش‌های  
معرفت‌شناختی. دوره ۶. شماره ۱۳.

قیومی بیدهندی، مهرداد. (۱۳۸۹). بازنگری در رابطه میان هنر و عرفان اسلامی بر مبنای شواهد  
تاریخی. تاریخ و تمدن اسلامی. دوره ۶. شماره ۱۲

کلارک، تیموتی. (۱۴۰۰). مارتین هایدگر. مترجم پویا ایمانی. تهران: مرکز



- کوروز، موریس. (۱۳۷۹) فلسفه هایدگر. مترجم محمود نوالی. تهران: حکمت.
- معمدی منصور و فرزانه باخدا. (۱۳۹۰) طرحی برای خاستگاه‌ها و ریشه‌های فتوت در ایران. مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ. سال ۴۳ شماره ۴/۸۶
- موسوی گیلانی، سیدرضا و شکیبادل، محمد. (۱۳۹۵). سلوک عارفانه در سنت استاد و شاگردی فتوتنامه‌ها و تاثیر آن بر خلاقیت هنرمند. آیین حکمت. سال هشتم. شمار ۲۸
- مولانا، جلال الدین محمد بلخی. (۱۳۷۶). غزلیات شمس. تهران: امیرکبیر.
- هایدگر، مارتین. (۱۳۸۱) شعر زیان و اندیشه رهایی. مترجم عباس منوچهری. تهران: مولی.
- واعظ کاشف سبزواری، ملا حسین. (۱۳۵۰). فتوتنامه سلطانی. به تصحیح محمدجعفر محبوب. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ویس، ژان ماری. (۱۳۹۶). واژه‌نامه هایدگر. مترجم شروین اولیایی. تهران: ققنوس.
- یانگ، جولیان. (۱۳۹۴). هایدگر و پسین. ترجمه بهنام خداپناه. تهران: حکمت.